



سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام

جلد دوم

تربیت دینی

دکتر محمد داوودی

زیر نظر

علیرضا اعرافی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
زمستان ۱۳۹۴

حسینی زاده، علی، ۱۳۴۳ -

سیره تربیتی پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) / سیدعلی حسینی زاده، محمد داوودی؛ زیر نظر علیرضا اعرافی.
- قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰.

۴. ج. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۱۰۱، ۸۷، ۱۳۴، ۷۳: علوم تربیتی؛ ۱۸، ۱۵، ۲۱، ۱۲)

ISBN: 978-964-7788-28-1

بها: ۲۰۰۰۰ ریال.

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. ۲۸۰ - ۲۸۵؛ همچنین به صورت زیرنویس.

نمایه.

مندرجات: ج. ۱. تربیت فرزند. ج. ۲. تربیت دینی. ج. ۳. تربیت اخلاقی. ج. ۴. نگرشی بر آموزش با تأکید بر آموزش‌های دینی.

۱. اسلام و آموزش و پرورش. ۲. تربیت خانوادگی (اسلام). ۳. محمد(ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از

هجرت - ۱۱ ق. - نظریه درباره تربیت خانوادگی. الف. داوودی، محمد. ب. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

ج. عنوان.

۴۸۳۷ / ۲۹۷

۹ س ۴۸۷ ح / ۱۸ / BP ۲۳۰

۳۸۷۰۹ - ۸۱ م

کتابخانه ملی ایران



سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام، جلد دوم: تربیت دینی

تألیف: دکتر محمد داوودی

زیر نظر: علیرضا اعرافی

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (شماره انتشار: ۸۷؛ علوم تربیتی: ۱۵)

حروفچینی و صفحه‌آرایی: اداره چاپ و انتشارات پژوهشگاه

چاپ دوازدهم: زمستان ۱۳۹۴ (چاپ یازدهم: زمستان ۱۳۹۳)

تعداد: ۲۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - جعفری

قیمت: ۱۱۴۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیس، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰)، نمابر: ۰۳۲۸۰۳۰۹۰،

ص.پ. ۳۷۱۸۵-۳۱۵۱ □ تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نیش کوی اُسکو، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۰۲۶۰۰

Website: www.rihu.ac.ir

Email: info@rihu.ac.ir

بسم الله الرحمن الرحيم

علوم انسانی در حکم مجموعه قواعد تنظیم حیات انسان در بخش نرم‌افزاری فرهنگ و تمدن بشری، علوم و معارفی است که به صورت روش‌مند از رفتارها، باورها، نگرش‌ها، احساسات و همه پدیده‌های انسانی معنادار بحث می‌کند و از مصادیق یقینی آن فلسفه، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم تربیتی، علوم اقتصادی، علوم سیاسی، مدیریت و حقوق است.

تحول در حوزه‌های علمی، به‌ویژه در علوم انسانی از فرازهای مورد تأکید حضرت امام خمینی(ره) و مطالبات جدی رهبر معظم انقلاب (مدظله) به‌ویژه در سال‌های اخیر است. اهمیت این تحول، ریشه در مطالعات علوم انسانی و نیازهای مترتب بر آن، به‌ویژه رشد و توسعه شتابان دانش و فرهنگ در عرصه جهانی دارد؛ زیرا در آن، از یک سو انسان، به عنوان اشرف مخلوقات و از دیگر سو روابط او با دیگران در عرصه بشری مطرح است و از این جهت این علوم بر علوم دیگر تقدم دارد. به‌واقع، رسالت مهم و اساسی این علم، ساختن انسان، پرورش شخصیت و توجه به شأن وجودی او و در یک نگاه، رساندن او به سرمنزل مقصود و هدایت به سوی مرتبه انسان کامل است.

ایران اسلامی از بنیان‌های تمدنی غنی و توانمندی‌های فراوانی در درون و برون محیط‌های دانشگاهی و حوزه‌های علمیه برخوردار است و از این جهت، بستری مهیا برای ورود به عرصه‌های علمی و تولید دانش بومی در حوزه‌های علوم انسانی فراهم است. به‌پشتوانه چنین میراث‌گران‌قدری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با حمایت معاونت آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری که رسالت و تکلیف اصلی آن تلاش برای تعمیق و گسترش علوم، معارف و ارزش‌های انسانی اسلامی و تطبیق هرچه بیشتر رشته‌ها و درس‌های دانشگاهی با نیازهای جامعه و کاربردی کردن آنها و تحول در

ارتقای علوم انسانی با تقویت جایگاه و منزلت این علم است، زمینه‌های چاپ این اثر را فراهم آورده است.

از استادان، فرهیختگان و صاحب‌نظران ارجمند می‌خواهیم تا با همکاری و راهنمایی‌های ارزشمند خود این معاونت را در جهت نقد کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه علمی یاری فرمایند.

معاونت آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

فهرست مطالب

<p>۱. کیفیت آموزش امامت و ایجاد اعتقاد به آن در سیره پیامبر(ص) ۶۲</p> <p>مرحله اول: زمینه سازی ۶۳</p> <p>مرحله دوم: بیان اجمالی و صریح امامت ائمه .. ۶۴</p> <p>مرحله سوم: بیان رسمی و نصب امیرالمؤمنین علی(ع) به خلافت و امامت ۶۵</p> <p>۲. کیفیت آموزش امامت و ایجاد و تقویت اعتقاد به آن در سیره اهل بیت(ع) ۶۹</p> <p>۱- ۲. کیفیت اثبات امامت ۶۹</p> <p>۲- ۲. تبیین ضرورت و هدف امامت ۷۵</p> <p>۳- ۲. بیان شایستگی های لازم برای امامت. . . ۷۶</p> <p>۴- ۲. بیان فضایل امامان ۷۷</p> <p>۵- ۲. بزرگداشت یاد اهل بیت(ع) ۷۹</p> <p>۶- ۲. زیارت امامان ۸۱</p> <p>۷- ۲. رفع شبهات درباره امامت ۸۲</p> <p>۸- ۲. نهی از معاشرت بامخالفان ۸۴</p> <p>۹- ۲. استفاده از شعرا و تشویق آنان ۸۵</p> <p>جمع بندی ۸۷</p> <p>فصل چهارم: کیفیت آموزش معاد و ایجاد و تقویت اعتقاد ۸۸</p> <p>۱. چگونگی طرح و تبیین مفهوم معاد ۸۹</p> <p>۲. چگونگی تبیین امکان و ضرورت معاد. . . ۹۱</p> <p>۱- ۲. بیان نمونه هایی محسوس از مرگ و زندگی مجدد پدیده های طبیعی ۹۱</p> <p>۲- ۲. بیان نمونه هایی از زندگی مجدد برخی از انسانها ۹۲</p> <p>۳. اهتمام به رفع شبهات ۹۳</p>	<p>سخن پژوهشگاه ۱</p> <p>درآمد ۳</p> <p>مقدمه ۱۱</p> <p>۱. سیره تربیتی پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) ۱۹</p> <p>۲. تربیت دینی ۲۵</p> <p>۳. قلمرو موضوع ۲۶</p> <p>۴. دورنمایی از کتاب ۳۰</p> <p style="text-align: center;">بخش اول: تربیت اعتقادی</p> <p>مقدمه ۳۴</p> <p>فصل اول: کیفیت آموزش خداشناسی و ایجاد و تقویت اعتقاد ۳۸</p> <p>۱. مفروض گرفتن اصل وجود خدا ۳۹</p> <p>۲. استفاده از دلایل روشن و قابل فهم ۴۱</p> <p>۳. تأکید بر معرفی صفات خدا ۴۳</p> <p>۴. ارتباط با خدا و حفظ آن ۴۵</p> <p>جمع بندی ۴۸</p> <p>فصل دوم: کیفیت معرفی پیامبر(ص) و ایجاد و تقویت ایمان ۴۹</p> <p>۱. مفروض گرفتن نبوت پیامبر(ص) ۴۹</p> <p>۲. تبیین فلسفه نبوت ۵۱</p> <p>۳. تبیین آثار و خدمات پیامبر(ص) ۵۳</p> <p>۴. توصیف سیره پیامبر(ص) ۵۵</p> <p>۵. تکریم و بزرگداشت پیامبر(ص) ۵۷</p> <p>جمع بندی ۶۰</p> <p>فصل سوم: کیفیت آموزش امامت و ایجاد و تقویت اعتقاد به آن ۶۱</p>
---	---

۶ سیره تربیتی پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) ج ۲

۲. تشویق کسانی که اهل ذکر و دعا بودند. ۱۳۰
۳. آموزش دعا و ذکر. ۱۳۰
۴. عادت دادن فرزندان به دعا و ذکر. ۱۳۱
- جمع بندی. ۱۳۲
- فصل چهارم: آموزش روزه. ۱۳۳
۱. آماده کردن مردم برای ورود به ماه رمضان. ۱۳۳
۲. سن آموزش روزه‌داری. ۱۳۴
۳. روش آموزش روزه‌داری. ۱۳۵
- جمع بندی. ۱۳۶
- ضمیمه اول: برنامه آموزش نماز در روایات و سیره معصومان(ع). ۱۳۷
۱. بررسی روایات. ۱۳۷
۲. مراحل آموزش نماز و اهداف و محتوای آن. ۱۴۴
۳. ویژگیهای برنامه آموزش نماز در سیره معصومان(ع). ۱۴۶
- جمع بندی. ۱۴۸
- ضمیمه دوم: برنامه آموزش روزه در روایات و سیره معصومان(ع). ۱۴۸
۱. ضرورت پرداختن به برنامه آموزش روزه. ۱۴۹
۲. بررسی سیره و روایات معصومان(ع). ۱۴۹
۳. روش آموزش روزه‌داری. ۱۵۴
۴. آموزش احکام روزه. ۱۵۵
۵. روزه‌داری و تنبیه. ۱۵۵
۶. آموزش روزه‌داری به دختران. ۱۵۵
- جمع بندی. ۱۵۶
- نتیجه‌گیری و جمع‌بندی بخش دوم. ۱۵۶

بخش سوم: روشهای تربیتی

- مقدمه. ۱۶۰
- فصل اول: ترغیب و ترهیب. ۱۶۲
۱. مفهوم ترغیب و ترهیب و واژه‌های نزدیک به آن. ۱۶۳
۲. ساز و کار و اهمیت این روش. ۱۶۶
۳. شیوه‌های ترغیب و ترهیب. ۱۶۸
- ۱ - ۳. انذار و تبشیر. ۱۶۸
- ۲ - ۳. وعده و وعید. ۱۷۰

۴. چگونگی اثبات معاد. ۹۵
۵. توصیف معاد و ویژگیهای آن. ۹۸
۶. تبیین ارتباط اعمال دنیا با سرنوشت فرد در آخرت. ۹۹
۷. یادآوری معاد و تکرار آن. ۱۰۰
۸. توجه به عوامل عاطفی در ایمان به معاد. ۱۰۱
۹. ظهور آثار ایمان به معاد در رفتار و حالات معصومان(ع). ۱۰۲
- جمع بندی. ۱۰۳
- نتیجه‌گیری و جمع‌بندی بخش اول. ۱۰۴

بخش دوم: تربیت عبادی

- مقدمه. ۱۰۶
- فصل اول: آموزش قرآن در سیره معصومان(ع). ۱۱۲
۱. آموزش قرآن به عموم مردم. ۱۱۲
۲. آموزش قرآن به کودکان. ۱۱۳
۳. آموزش قرآن به عنوان اولین ماده درسی. ۱۱۳
۴. عادت دادن کودکان به قرائت قرآن. ۱۱۴
- جمع بندی. ۱۱۸
- فصل دوم: آموزش نماز در سیره معصومان(ع). ۱۱۹
۱. روش آموزش نماز. ۱۱۹
۲. تذکر و تصحیح خطاها. ۱۲۱
۳. موظف کردن والدین به آموزش نماز به فرزندان. ۱۲۳
۴. فراهم آوردن زمینه شرکت همه مردم در نمازهای جماعت. ۱۲۳
۵. اهتمام به آموزش نمازهای مستحب و مستحبات نماز. ۱۲۴
۶. منع از افراط در مستحبات. ۱۲۵
۷. چگونگی آموزش نماز به کودکان و نوجوانان در سیره معصومان(ع). ۱۲۵
- ۱ - ۷. سن شروع آموزش نماز به کودکان. ۱۲۵
- ۲ - ۷. سهل‌گیری در آموزش نماز به کودکان. ۱۲۶
۸. جمع بندی و نتیجه‌گیری. ۱۲۶
- فصل سوم: آموزش ذکر و دعا. ۱۲۸
۱. توصیه دیگران به ذکر و دعا. ۱۲۹

۲- کاربرد تربیتی ارشاد و راهنمایی، امر و نهی و تذکر..... ۲۲۰	۳- ۳. ارائه تصویری کامل از عمل..... ۱۷۱
۱- ۲- ایجاد یک نظام ارزشی..... ۲۲۰	۴- نکاتی درباره استفاده از روشهای ترغیب و ترهیب..... ۱۷۵
۲- ۲- ایجاد یکپارچگی فرهنگی در جامعه... ۲۲۱	۱- ۴- ضروری نبودن استفاده از تمام روشهای ترغیب و ترهیب..... ۱۷۵
۳- ارشاد و راهنمایی، تذکر، و امر و نهی در سیره تربیتی معصومان(ع)..... ۲۲۳	۲- ۴- برخورداری مخاطب از قدرت تفکر و آینده‌نگری..... ۱۷۶
۱- ۳- حساسیت در مقابل تخلف از ارزشها و احکام دینی..... ۲۲۴	۳- ۴- واضح، روشن، جذاب و زیبا بودن ترغیب و ترهیب..... ۱۷۷
۲- ۳- حساسیت در برابر تخلف از احکام غیر الزامی..... ۲۲۵	۴- ۴- بیان انواع آثار و پیامدها..... ۱۷۸
۳- ۳- اطمینان حاصل کردن از نادرستی عمل قبل از برخورد با آن..... ۲۲۸	۵- ۴- تکرار ترغیب و ترهیب..... ۱۷۹
۴- ۳- عکس‌العمل رفتاری..... ۲۳۰	۶- ۴- رعایت اعتدال..... ۱۸۰
۵- ۳- برخورد نرم و ملایم، و برخورد شدید و تند..... ۲۳۲	۷- ۴- اعتقاد مخاطب به درستی ترغیب و ترهیبها..... ۱۸۲
۶- ۳- ریشه‌یابی و علت‌شناسی..... ۲۳۶	۵- ۵- مزایای ترغیب و ترهیب..... ۱۸۲
۷- ۳- استفاده از واسطه..... ۲۳۸	۱- ۵- تحمیلی نبودن..... ۱۸۲
۸- ۳- تذکر دادن به ناظران عمل خطا..... ۲۳۸	۲- ۵- توجه به عواطف و احساسات..... ۱۸۳
۹- ۳- اعلام عمومی نادرستی عمل..... ۲۳۹	۳- ۵- تقویت ایمان..... ۱۸۴
جمع‌بندی..... ۲۴۰	جمع‌بندی..... ۱۸۵
نتیجه‌گیری و جمع‌بندی بخش سوم..... ۲۴۱	فصل دوم: موعظه..... ۱۸۶
	۱- مفهوم موعظه..... ۱۸۷
	۲- کارآمدی موعظه به عنوان یک روش تربیتی... ۱۹۱
	۳- کاربرد تربیتی موعظه و ساز و کار آن..... ۱۹۳
	۴- شرایط موعظه..... ۱۹۵
	۱- ۴- شرایط واعظ..... ۱۹۶
	۲- ۴- شرایط متعظ..... ۲۰۰
	الف) اعتقاد به خدا و پیامبر(ص) و معاد..... ۲۰۱
	ب) موعظه‌پذیری..... ۲۰۱
	۳- ۴- شرایط وعظ..... ۲۰۲
	جمع‌بندی..... ۲۱۵
	فصل سوم: ارشاد، تذکر، امر و نهی..... ۲۱۷
	۱- مفهوم‌شناسی..... ۲۱۹
	۱- ۱- ارشاد و راهنمایی..... ۲۱۹
	۲- ۱- تذکر..... ۲۱۹
	۳- ۱- امر و نهی..... ۲۱۹
مقدمه..... ۲۴۴	
فصل اول: رفق و مدارا و تربیت دینی..... ۲۴۶	
۱- معنا و تعریف رفق و مدارا..... ۲۴۷	
۲- جایگاه رفق و مدارا در سیره معصومان(ع)..... ۲۴۹	
۳- موارد رفق و مدارا در سیره تربیتی معصومان(ع)..... ۲۴۹	
۱- ۳- رفق و مدارا با خود..... ۲۵۰	
۲- ۳- رفق و مدارا با دیگران..... ۲۵۰	
۴- محدوده رفق و مدارای تربیتی..... ۲۵۷	
۱- ۴- جهل و علم..... ۲۵۷	
۲- ۴- توان جسمی..... ۲۵۸	
۳- ۴- درجه ایمان..... ۲۵۸	
۴- ۴- واجب یا غیر واجب بودن عمل..... ۲۵۸	

بخش چهارم: تکمله

۸ سیره تربیتی پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) ج ۲

۱ - ۱. مسئولیت مادر در تربیت دینی	۲۷۱	۵. آثار تربیتی رفق و مدارا	۲۵۹
۲ - ۱. گستره مسئولیت والدین در تربیت دینی	۲۷۲	جمع‌بندی	۲۶۰
۲. الزامی یا رجحانی بودن مسئولیت والدین در تربیت		فصل دوم: آداب و رسوم جامعه و تربیت دینی	۲۶۱
دینی	۲۷۲	۱. تعریف آداب و رسوم	۲۶۲
۳. موارد مسئولیت والدین در تربیت دینی	۲۷۳	۲. چگونگی برخورد معصومان(ع) با آداب و رسوم	
۴. وظیفه والدین در ادای مسؤلیت تربیتی	۲۷۴	اجتماعی	۲۶۲
۵. محدوده زمانی مسئولیت والدین در تربیت		۱ - ۲. تغییر نام افراد	۲۶۳
دینی	۲۷۵	۲ - ۲. شروع کارها یا نام خدا	۲۶۳
۶. ضرورت و کارایی تربیتی مسئولیت والدین	۲۷۶	۳ - ۲. تبریک ازدواج	۲۶۴
جمع‌بندی	۲۷۹	۴ - ۲. تبریک ولادت فرزند	۲۶۴
فهرست منابع	۲۸۰	۳. اثر تربیتی	۲۶۵
فارسی و عربی	۲۸۰	جمع‌بندی	۲۶۷
انگلیسی	۲۸۵	فصل سوم: والدین و تربیت دینی فرزندان	۲۶۸
نمایه آیات	۲۸۷	۱. والدین و تربیت دینی فرزندان در سیره تربیتی	
نمایه روایات	۲۹۱	معصومان(ع)	۲۶۹

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسایل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی (ره) بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریات علمی - تخصصی و علمی - پژوهشی اشاره کرد.

۲ سیره تربیتی پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) ج ۲

کتاب حاضر به عنوان منبع درسی برای دانشجویان رشته‌های مشاوره و روان‌شناسی تربیتی در مقطع کارشناسی تهیه شده و در دروس تعلیم و تربیت اسلامی، تربیت در سیره معصومان(ع) و تربیت در روایات نیز قابل استفاده می‌باشد. امید است علاوه بر جامعه دانشگاهی سایر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند گردند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاشهای مؤلف محترم حجة الاسلام دکتر محمد داوودی و همچنین از جناب حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای علیرضا اعرافی ریاست محترم پژوهشگاه که با عنوان ناظر علمی طرح، با ارائه نظریات علمی خود بر غنای این کتاب افزودند، تشکر و قدردانی کند.

درآمد

گزارشی از طرح سیره تربیتی معصومان(ع)

نوشتاری که اینک تقدیم ارباب معرفت و صاحب نظران تربیت می شود، دومین جلد از طرح سیره تربیتی پیامبر(ص) و اهل بیت (ع) است که به «تربیت دینی در سیره معصومان(ع)» اختصاص یافته است. جلد نخست این مجموعه به «تربیت فرزند» اختصاص یافت و در سال ۱۳۸۰ به چاپ رسید. جلد سوم این مجموعه نیز با نام «تربیت اخلاقی» در دست تحقیق است و در آینده منتشر خواهد شد. جلد چهارم این مجموعه نیز با نام «آموزش در سیره معصومان(ع)» در سال ۱۳۸۲ به چاپ رسیده است.

ضرورت و اهمیت سیره تربیتی معصومان(ع)

برای تبیین ضرورت و اهمیت این مبحث، چند نکته را یادآور می شویم:

۱. نظر به اعتبار سنت پیامبر(ص) و ائمه معصومان(ع) و شأن و مرتبت والای آنان در هدایت امت، از آغاز در میان مسلمانان به دو امر اهتمام می شد:

الف) جمع آوری سخنان و احادیث آنان؛

ب) ضبط و گزارش رفتارها و شیوه های عملی آنان.

منابع تاریخی شیعه و سنی به روشنی تمام نشان می دهد که اصحاب پیامبر در پرتو اعتقاد به عصمت آن حضرت و توصیه های مؤکد قرآن به پیروی از آن حضرت، کوششی تام بر ثبت و ضبط همه حرکات و سکنات و اعمال و رفتار آن حضرت مبذول داشته اند تا مبنایی برای الهام گیری و الگوپذیری آن نسل و آیندگان به یادگار گذارند و بر همین اساس، مورخان به حفظ این میراث گران بها و نقل زوایای گوناگون زندگی اجتماعی، سیاسی و اخلاقی حضرت عنایت وافر داشته اند؛ تا آن جا که افراد خاصی به عنوان

۴ سیره تربیتی پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) ج ۲

«وصّاف» شناخته می‌شدند و کار آنان بیان ویژگیهای پیامبر(ص) بود.^۱ از سوی دیگر بخش‌هایی از منابع و مآخذ روایی به احادیث ناقل سیره پیامبر(ص) اختصاص یافت و حتی کتاب‌هایی ویژه در این زمینه به نگارش در آمد.^۲

همین داستان از سوی اصحاب ائمه(ع) و علاقه‌مندان به اهل بیت(ع) در مورد آن بزرگواران تکرار شد و سیره عملی آنان نیز به ثبت و نقل کشیده شد.^۳

علاوه بر این تاریخ اسلام گویای این است که مسلمانان بر آشنایی فرزندان خود با سنت و سیره نبوی و تربیت آنان بر پایه معیارها و الگوهای رفتاری آن حضرت تأکید ورزیده‌اند.^۴

۲. اهتمام اصحاب و محدثان بر ثبت و ضبط و فراگیری و یاددهی و آموزش سیره پیامبر(ص) و دیگر معصومان(ع) ریشه در اعتبار و حجیت سیره و سنت آنان و نقش و کارکردهای فقهی، اخلاقی و تربیتی سیره دارد.

در مدخل جلد اول از این مجموعه نقش‌های گوناگون سیره را از منظرهای متفاوت بررسی کرده و نشان دادیم که سیره معصومان(ع) هم از نگاه اصولی - فقهی می‌تواند منبعی برای استنباط‌های فقهی قرار گیرد و در منابع فقهی نقش مکمل احادیث را ایفا نماید، هم از نگاه اخلاقی و تربیتی نقشها و کارکردهای آموزشی، تقویتی، الگوبخشی و مانند آن بیافریند.

بنابراین همان‌طور که «نقل تاریخی» سیره دارای ارزش تاریخی است، بررسی و تحلیل و تنظیم سیره به دلیل اعتبار و حجیت آن، دارای ارزش فقهی و شرعی و دینی است و نباید مورد غفلت قرار گیرد.

۳. بسی آشکار است که بهره‌برداری بهتر از منبع سیره، مانند متن حدیث، نیازمند تحقیق و تدقیق مستمر است و این تحقیق باید بر پایه منطق و روش معتبر استوار شود، اما در این قسمت برخلاف احادیث، از این دست پژوهشها کمتر صورت گرفته است. از جمله اموری که تحلیل و ارزیابی سیره معصومان(ع) را آسان‌تر می‌کند، تقسیم و تفکیک آنها بر اساس قلمروها و ساحتهای گوناگون آن رفتارها است. مثلاً گروه‌بندی سیره‌ها در

۱. ر.ک: البیهقی، احمد بن الحسین؛ دلائل النبوة و معرفة احوال صاحب الشریعة؛ ج ۱، ص ۲۵۸.

۲. از جمله کتاب‌های: السیرة النبویه از ابن هشام و همچنین سیرة ابن کثیر و سیرة ابن اسحاق و نظایر آن.

۳. از جمله صفة الصفوة از ابن جوزی و تذکرة الخواص از سبط جوزی.

۴. سوید، محمدنوربن عبدالحفیظ؛ التریبة النبویة للطفل؛ ص ۹۹.

سیره‌های اخلاقی، اجتماعی، خانوادگی، سیاسی، نظامی و مانند اینها، راه را برای بازشناسی و استفاده مفیدتر هموار می‌سازد.

یکی از قلمروهای مهم در سیره معصومان(ع)، مسائل تربیتی است. در واقع جمع‌آوری همه رفتارهایی که در مقام اثرگذاری بر شخصیت و رفتار دیگران از آنان سرزده است می‌تواند ذخیره‌ای گران‌بها در بازشناسی و پژوهش در زمینه تربیت اسلامی فراهم آورد.

این نکته نیز در خور دقت است که به‌رغم آن‌که شأن معصومان(ع) هدایتگری و تعلیم و تربیت است و این شأن در رفتار آنان بیشترین تجلی را داشته است، اما در این زمینه آثار و تحقیقات معتبر کمتر در دسترس است؛ در حالی که در زمینه سیره‌های سیاسی-اجتماعی و اخلاقی به آثار نسبتاً بیشتری دست می‌یابیم.

از سوی دیگر در آمیختگی اخلاق و تربیت، بی‌توجهی به بسیاری از مفاهیم و عناوین خاص و جزئی در باب تعلیم و تربیت در فضای سیره، و فقدان نگاه تربیتی به سیره و فرایند زندگی معصومان(ع) کاستی‌های دیگری است که در این عرصه دیده می‌شود.

با عنایت به آنچه به اختصار بیان شد، می‌توان به اهمیت این بحث و تحلیل سیره معصومان(ع) از نگاه تربیتی به معنای خاص آن، تا اندازه‌ای پی‌برد.

از این رو و به منظور رفع پاره‌ای از این کاستیها این طرح فراهم آمده است و امید می‌رود در این میدان گامی به جلو باشد.

اهداف طرح

هدف از این تحقیق، دست‌یابی به سیره‌های قولی و فعلی معصومان(ع) و نیز کشف قوانین و قواعد حاکم بر آنها و نظام‌بخشی به مجموعه آنها است. به عبارت دیگر عمده‌ترین اهداف این پژوهش عبارت‌اند از:

۱. گردآوری سیره‌های تربیتی و بررسی روشمند آنها؛
۲. سامان‌بخشی و ساختار دهی به سیره‌ها؛
۳. زمینه‌سازی برای کشف قوانین و قواعد حاکم بر سیره و ارتباط دادن آنها با گفتار ائمه(ع) در یک طرح کلان و کلی.

مبانی و پیش‌فرضهای این طرح، یک سلسله از گزاره‌هایی است که پاره‌ای از آنها در

بخش اول به بحث کشیده شده است و پاره‌ای دیگر را هم به صورت اموری مفروض در این مباحث در نظر گرفته‌ایم.

مراحل طرح

این طرح مراحل زیر را طی کرده است:

۱. در مرحله نخست، «طرح» اولیه تهیه و مطالعات مقدماتی برای آشنایی با ابعاد گوناگون موضوع آغاز شد، مشاوره‌های متعدد به عمل آمد و کتاب‌شناسی و مأخذشناسی به انجام رسید.

۲. پس از آن، چارچوب و «فهرست و طرح تفصیلی» موضوعات و عناوین فرعی تدوین شد.

۳. سپس بر پایه «مأخذشناسی» و «فهرست سر فصلها»، «فیش برداری» شروع، و منابع و کتابها تقسیم شد و محققان دیدگاه تحلیلی و نظر خود را در فیشها ثبت کردند.

۴. همراه با فیش برداری، در جلسات گروهی فیشها مورد مذاقه و مناقشه قرار گرفت، و همه عناوین و دلالت‌های آیه یا روایت یا نقل تاریخی استخراج و براساس روش استنباط معتبر نمایه‌زنی شد، و به سخن دیگر، فیشها «تحلیل و نمایه زنی» گردید.

در مرحله «بررسی و تحلیل فیشها» جداسازی فیشهای مربوط به سیره‌های تربیتی - با معنای خاص و فنی آن - از سیره‌های دیگر با دقت و وسواس تمام مورد اهتمام بود؛ همان‌طور که اعتماد به روشهای معتبر در فهم و تفسیر فیشها از جایگاه خاصی در تأملات و گفت‌وگوی محققان برخوردار بود، و تا اندازه‌ای معیارهای بررسی و نقد سند هم براساس ملاکهای مورد قبول به کار گرفته شد.

۵. به دنبال مراحل پیشین و به دلیل برخورد با عناوین جدید در فیشها، و فقدان سیره در مورد پاره‌ای از عناوین موجود در طرح آغازین تحقیق که با مدل مبانی، اصول، روش‌ها و آداب فراهم آمده بود، آن طرح بازنگری شد و به «ساختاری نو» بر پایه ساحت‌های گوناگون تربیت، دسترسی حاصل شد و ملاک عمل قرار گرفت، چنانکه پاره‌ای اصلاحات در فیشها و نمایه‌زنی آنها انجام شد.

۶. در نهایت بخشهای گوناگون طرح، میان محققان تقسیم و در قالب چهار جلد کتاب پیش‌بینی شد. هریک از پژوهشگران در قلمرو موضوع خود به «نگارش و تدوین»

پرداخته، در جلسات گروهی به بحث گذارده شد و بانظر نهایی مدیر طرح و ناظر آن به فرجام رسید.

موانع و محدودیتهای طرح

در این تحقیق از همان آغاز موانع، دشواریها و محدودیتهایی پیش‌بینی می‌شد و یا در جریان عمل با آنها مواجه می‌شدیم که در این مقدمه به مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم:

۱. فقدان پیشینه مناسب و کمبود منابع و مآخذی که به صورت فنی و دقیق به موضوع پرداخته باشند؛

۲. پراکندگی سیره‌ها در منابع گسترده روایی و تاریخی؛

۳. مشکلات کاربست قواعد رجالی در منابع تاریخی و فقدان سند قابل ارزیابی در بسیاری از گزارش‌های تاریخی و روایات مربوط به این گونه مطالب؛

۴. در تحلیل و تفسیر سیره‌ها، اطلاع از شرایط و اوضاع و احوال مربوط به رفتار و سیره معصوم(ع) نقش شایانی دارد، و وقوف بر این‌گونه قرائن و شرایط غالباً دشوار و با کمبود منابع مواجه است؛

۵. جداسازی سیره‌های تربیتی از سیره‌های اخلاقی، سیاسی و جز آنها و ارائه ملاک روشن و تطبیق آن بر مصداق‌ها از اموری بود که همواره مجادلات و چالشهای جدی را بر می‌انگیخت؛

۶. پایبندی تحقیق بر دلالت معتبر و روش مقبول تفسیر متن، در مقام عمل، معضلات فراوانی می‌آفرید؛

۷. دستیابی به تعاریف روشن و مقبول درواژه‌های مربوط به تعلیم و تربیت و سیره در بسیاری از موارد اشکالاتی را تولید می‌نمود؛

۸. از همه این امور بنیادی‌تر آنکه اساساً استنباط از رفتار معصومان(ع) و استفاده و استخراج گزاره‌های عام، فراگیر و معتبر فقهی، اخلاقی و تربیتی از سیره عملی باسؤالها و پرسشهای مهمی مواجه است. عبور سیره‌ها از قرائن و شرایط زمان و مکان و حمل بر عناوین اولیه و رسیدن به توصیفها، توصیه‌ها و تکلیفهای عام، طبعاً به سادگی امکان‌پذیر نیست. برخی از این امور را در جلد اول توضیح داده‌ایم؛

۹. علاوه بر همه اینها کمبود مشاوران و محققانی که همزمان آشنای به رشته‌های

۸ سیره تربیتی پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) ج ۲

تاریخ، فقه و تربیت باشند از موانع این دست از پژوهشهاست؛
۱۰. گستردگی و دامنه داری این‌گونه طرحها نیز محدودیت‌هایی را در فرایند پژوهش تولید می‌کند و البته در گام نخست گریزی از ارائه چارچوب کلی بحث نیست تا زمینه بررسی‌های جزئی‌تر و دقیق‌تر در مراحل آینده تحقق یابد؛
۱۱. جست‌وجو و یافتن چارچوب و ساختار واحد و نظام‌واری که سازگار و پاسخ‌گوی سیره‌های پرشمار و گوناگون باشد، از مشکلات اساسی این طرح بود.

ویژگیهای طرح

به‌رغم همه موانع و محدودیت‌های مذکور، این پژوهش و نتایج مدون آن - که در چند دفتر تقدیم خواهد شد - دارای امتیازات و ویژگیهایی است که به برجسته‌ترین آنها اشاره می‌شود:

۱. فیش برداری نسبتاً کاملی از عناوین و موضوعات تربیتی در سیره معصومان(ع)؛
۲. بررسی منابع شیعه و سنی و نیز منابع تاریخی، روایی، تفسیری، اخلاقی، و رجالی؛
۳. تفکیک فنی سیره‌های تربیتی از سیره‌های اخلاقی و سیاسی و مانند آنها؛
۴. فراهم آمدن مجموعه فیشها به روش رایانه‌ای و نظام‌دهی و نمایه‌زنی آن؛
۵. توجه به اعمال قواعد استنباطی در فهم و تفسیر سیره‌ها در حد میسر؛
۶. اجرای تحقیق در این بحث میان رشته‌ای به شکل گروهی و با اعتماد بر روشهای معتبر و شیوه‌های متقن علمی؛

۷. سامان دهی سیره‌های تربیتی براساس ساخت‌ها و قلمروهای تربیتی در زمینه تربیت دینی و تربیت اخلاقی و آموزش صورت گرفت. البته بخش کودک به علت وجود سیره‌های فراوان به صورت مستقل درآمد و در نتیجه جلد اول به «تربیت فرزند» اختصاص یافت و جلدهای بعدی براساس ساختهای دینی، اخلاقی و آموزشی تدوین شد که کتاب حاضر بحث آموزش (اصول، روشها، شیوه‌ها و آداب آموزشی) را در سیره پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) بررسی می‌کند؛

۸. درنهایت این تحقیق زمینه تدوین «معجم موضوعی سیره تربیتی» و نیز تحقیقهای اساسی‌تر در این قلمرو و پی‌افکندن نگاه تحلیلی - تربیتی به تاریخ ائمه(ع) و نظام‌پردازی

را در این زمینه فراهم آورده است.

در پایان از مؤلف محترم این جلد حجة الاسلام محمد داوودی تقدیر و تشکر می‌کنیم. از حجج اسلام آقایان سیدعلی حسینی زاده و علی اکبر کاشانی که از آغاز تا پایان طرح همکارمان بوده‌اند و نیز حجج اسلام آقایان عطایی و شاکری که در مرحله فیش‌برداری با طرح سیره همکاری داشته‌اند و نیز از حجة الاسلام آقای دکتر شاملی و آقای دکتر محمدعلی حاجی ده آبادی که از نظرات آنان در این جلد بهره‌مند گشته‌ایم سپاسگزاری و قدردانی می‌کنیم.

مجری طرح سیره

علی‌رضا اعرافی

مقدمه

کمتر جامعه‌ای را می‌توان یافت که با دین و تربیت دینی سروکاری نداشته باشد. نگاهی گذرا به تاریخ بشر نشان می‌دهد که همهٔ جوامع، به نوعی دین‌دار بوده‌اند؛ خواه جوامع ابتدایی و ساده، یا جوامع نسبتاً پیشرفته و پیچیده؛ خواه جوامع کوچک و محدود، یا جوامع بزرگ و وسیع. به عنوان مثال، هم امپراتوریهای بزرگی مانند ایران، روم و مصر پایبند به دین خاص خود بوده‌اند، و هم کسانی که در دور افتاده‌ترین نقاط زمین زندگی می‌کردند، مانند اعراب ساکن در بیابانهای خشک شبه جزیرهٔ عربستان. البته در جوامع مختلف، این ادیان یکسان نبوده و با یکدیگر تفاوت‌هایی داشته‌اند؛ برخی جوامع، خداپرست و موحد، برخی دیگر بت‌پرست و مشرک بوده‌اند.

جوامع بشری نه تنها دین‌دار بودند، بلکه دین را امری ضروری نیز می‌دانستند. مراجعه به متون دینی مختلف نشان می‌دهد که انسان، بدون پایبندی به دین نمی‌تواند به هدف نهایی حیات خود دست یابد.

ما مسلمانان با استناد به آیات قرآن معتقدیم تنها راه رستگاری، ایمان به خدا و عمل به دستورهای او است. در قرآن پس از توصیف ویژگیهای متقین - که عبارتند از ایمان به غیب، اقامهٔ نماز، انفاق، ایمان به قرآن، کتابهای آسمانی پیشین و جهان آخرت - می‌فرماید:

اینان بر هدایت الهی هستند و اینان همان رستگارانند.^۱

سپس در ادامه می‌فرماید:

و آنان که کافر شدند، خواه آنان را انذار کنی یا نکنی، ایمان نمی‌آورند. خدا بر

قلبها و گوشهایشان مهر زده، و بر چشمهایشان پرده افکنده شده و عذاب بزرگی در انتظار آنان است.^۱

مسیحیان نیز با استناد به انجیل، همین عقیده را دارند. در انجیل آمده است: اگر می‌خواهیم زندگی ابدی را دریافت کنیم، به معرفت دقیق درباره خدا... و ملکوت او نیاز داریم.^۲

بسیاری از فلاسفه نیز معتقدند، انسان بدون کمک گرفتن از وحی الهی نمی‌تواند به سعادت برسد. ابوعلی سینا می‌گوید:

نیاز به پیامبر برای بقای نوع انسان و تحصیل کمالات و جود، بسیار بیش از نیاز به رویاندن مو بر ابروان و مقعر کردن کف پا و منافع دیگری است که برای بقای انسان ضروری نیستند.^۳

البته کسانی هم هستند که معتقدند انسان نیازی به دین ندارد و می‌تواند با اتکا به عقل و دانش خود، راه سعادت را بیابد. این عقیده، به ویژه در دوره رنسانس، بسیار رونق گرفت. "اوگوست کنت" بنیان‌گذار جامعه‌شناسی اعلام کرد:

انسان در طول زندگی خود سه دوره را طی می‌کند؛ دو دوره را پشت سر گذاشته و اکنون در حال ورود به دوره سوم است که عالی‌ترین دوره تکاملی او است. دوره اول دوره ربانی است؛ در این دوره، بشر جریان امور طبیعی را ناشی از اراده فوق طبیعت می‌داند که همان خدا است.

دوره دوم دوره فلسفی است؛ در این مرحله بشر، امور طبیعت را به قوای نهانی اشیاء نسبت می‌دهد و نه به اراده فوق طبیعت. در این دوره استدلال و تعقل، جایگزین تخیل و توهم (دوره اول) شده است.

دوره سوم دوره علمی است. در این دوره تخیل و تعقل، هر دو تابع مشاهده و تجربه می‌شوند و آنچه معتبر است، امر محسوس و مشهود است.

تاریخ تمدن به ما می‌گوید: دوره ربانی و فلسفی طی شده و انسان در حال ورود به دوره سوم است.^۴

برخی از این هم فراتر رفته، گفته‌اند: نه تنها انسان به دین نیازی ندارد و بدون آن می‌تواند به سعادت برسد، بلکه دین و اعتقاد به دین مانع رشد و تکامل انسان است. "مارکس" به عنوان یک جامعه‌شناس، بر این باور بود که در همه جوامع، ادیان به منزله

۱. بقره، ۶-۷. ۲. یوحنا، ۳-۱۷.

۳. مطهری، مرتضی، جهان‌بینی اسلامی، ص ۴۷.

۴. فروغی، محمدعلی، سیر حکمت در اروپا، ج ۳، ص ۱۱۳-۱۱۷.

ابزاری هستند که گروه حاکم از آن استفاده می‌کند تا طبقه محکوم را قانع کند که وضعیت موجود، وضعیتی مطلوب و عادلانه است. آنان از این طریق مانع آگاهی طبقه محکوم از بی‌عدالتیها و ظلمهای طبقه حاکم می‌شوند و در نتیجه، مانع شورش و طغیان گروه محکوم می‌گردند. از این رو وی دین را افیون توده‌ها می‌داند.^۱

در این دوره (رنسانس)، موج عظیمی از مذهب ستیزی و مذهب زدایی در جهان به وجود آمد. شدیدترین و بارزترین نمونه دین ستیزی، در کشورهای بلوک شرق ظاهر شد. در نتیجه، یا دین به طور کلی از جوامع حذف گردید، یا گستره عمل آن بسیار محدود شد؛ دین از صحنه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، تربیتی و... کنار گذاشته شد و حیطه عمل آن تنها به عبادتگاه‌ها و رابطه فردی انسان با خدا محدود گردید. اما امروزه - اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم - این روند تغییر کرده است. دلایل متعددی در این تغییر مؤثر بوده‌اند:

نخست، وقوع انقلاب اسلامی در ایران که نشان داد دین حتی در دوره مدرن نیز می‌تواند منشأ حرکت‌های عظیم اجتماعی شود.

دوم، فروپاشی کشورهای کمونیستی که مدعی بودند دین افیون توده‌ها است، و سربرآوردن اعتقادات مذهبی مردمی که نزدیک به یک قرن تحت سلطه کمونیستها بودند و به شدت با اعتقادات و اعمال مذهبی آنها مبارزه شده بود.

سوم - و از همه مهم‌تر - اینکه برای بشر ثابت شد عقل و دانش انسان بسیار ضعیف‌تر از آن است که بتواند با اتکا به آن، همه مجهولات و مشکلات خود را حل کند. به همین سبب نیز «پیش‌بینی سکولاریسم مبنی بر اینکه عقلانیت علمی بالاخره ارزشهای دینی را نابود می‌کند»^۲ محقق نشد.

بدین سبب، امروزه شاهد اقبال به دین و مباحث دینی در حوزه‌ها و کشورهای مختلف هستیم و نظریه‌های منفی افراطی نسبت به دین، طرفداران خود را از دست داده‌اند.

به عنوان مثال، در جامعه‌شناسی، رویکرد «کونت» جای خود را به «رویکرد دیگری داده که قاطعیتی کمتر دارد و در برابر حقیقت گفته‌ها و داعیه‌های مذهبی، انکار کمتری

۱. سروش، عبدالکریم، «خدمات و حسنات دین»، کیان، ش ۲۷.

2. *World Religions and Educational Practices*; edited by Witold Tulasiewicz and Cho-Yee To; P1.

از خود نشان می‌دهد و غالباً "نمی‌دانم گویانه" است. امروزه لزومی ندارد که جامعه‌شناسان دینی، بی‌اعتقاد باشند و ممکن است خودشان به یک صورت اعتقادی پایبند باشند.^۱

در روان‌شناسی نیز چنین وضعیتی به وجود آمده است. «امروزه نه تنها برخی از روان‌شناسان این امکان را دارند که در گرایشهای تخصصی، به مذهب و اثرات آن بپردازند، بلکه کلیه روان‌شناسان در رشته‌های تخصصی دیگر نیز رویکردی سالم‌تر و بی‌غرضانه‌تر نسبت به مذهب اتخاذ کرده‌اند. کثرت مقالات و گزارش‌های تجربی و تحلیلی درباره مذهب و مخصوصاً توجه به یافته‌های آنها، در حال حاضر، شرایطی فراهم آورده است که می‌توان با سربلندی تمام، در هر کلاس و کنفرانسی، از ایمان دینی و نتایج آن بر روان و حتی جسم انسان سخن گفت و هراسی از اتهاماتی چون "واپس‌روی یا تکیه بر تئوری آزمون نشده" نداشت. به نظر می‌رسد اینک برخلاف گذشته، انکار اثر ایمان یا بی‌توجهی به مذهب، ثبات و واپس‌روی تلقی می‌شود».^۲

در امور سیاسی و اجتماعی نیز، هم در جهان غرب و مسیحیت و یهودیت، و هم در جهان اسلام، شاهد احیای مجدد نقش دین هستیم. این مسئله، به‌ویژه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، به وجود آمد و تقویت شد. از این رو در یک دهه اخیر، شاهد پیروزی احزاب اسلامی در انتخابات کشورهای مختلف بوده‌ایم؛ پیروزی اسلام‌گرایان در انتخابات الجزایر، پیروزی احزاب اسلامی در ترکیه، اردن و اخیراً در کویت، نمونه‌هایی از این موضوع هستند.

در کشورهای غربی نیز نقش‌آفرینی دین در سیاست برجسته‌تر شده است؛ تا جایی که برخی از سیاستمداران، به عنوان یک امتیاز، به صراحت پایبندی جدی خود به اعتقادات دینی را ابراز می‌کنند و در تحقق برخی اهداف خود، از عناوین دینی استفاده می‌کنند؛ چنان‌که بوش، جنگ بر ضد آنچه را که وی آن را تروریسم اسلامی می‌خواند جنگ صلیبی خواند. پدیده اسرائیل و صهیونیسم نیز به بهترین وجه گویای نقش صریح و قاطع دین در امور سیاسی و اجتماعی در یهودیت است؛ زیرا دولت اسرائیل برای تحقق وعده‌ها و آرمانهای یهودیان افراطی تأسیس شده است.

۱. همیلتون، ملکم، جامعه‌شناسی دین، ص ۳

۲. پوررضائیان، «نقش دین در دوران درمانی امروز جهان»، اصلاح و تربیت، سال هفتم، ش ۷۵-۷۶.

نقش دین در امور سیاسی و اجتماعی چنان پررنگ شده که نماینده دبیر کل سازمان ملل در اجلاس رهبران دینی جهان در بانکوک گفت:

از نظر سازمان ملل، رهبران دینی در هدایت و راهنمایی مستقیم توده‌های مردم نقش بسزایی دارند و می‌توانند با تعلیمات و آموزشهای خود، تأثیرات زیادی در رفع تنشها داشته باشند.^۱

حوزه تعلیم و تربیت نیز در سالهای اخیر به شدت از دین متأثر شده است. به همین جهت در تعلیم و تربیت، به دو مقوله اقبال فراوانی شده است: تربیت دینی، و نقش دین در تعلیم و تربیت. آثار زیادی نیز در این دو موضوع منتشر شده است. این امر هم در مورد کشورهای مسلمان، و هم در مورد کشورهای غربی صادق است. دلیل آن هم این است که «در سالهای اخیر، غرب شاهد رشد قابل ملاحظه‌ای علاقه به دین بوده است».^۲

بنابراین برای ما از دو جهت پرداختن به تربیت دینی ضرورت دارد: نخست آنکه کشور ما کشوری است که شاهد انقلابی براساس دین بوده است؛ بقا و رشد این انقلاب نیز تا حد زیادی به تربیت دینی وابسته است.

دوم اینکه روند تحقیقات تربیتی در جهان به سوی توجه بیشتر به تربیت دینی است؛ از این رو ما نیز باید به این موضوع اهمیت بیشتری بدهیم.

از سوی دیگر، بررسی تاریخ زندگی پیامبر(ص) نشان می‌دهد که ایشان در کار تربیت دینی بسیار موفق بوده‌اند. در عصر او بسیاری از ابزارهای تربیتی امروزی، مانند کتابهای درسی، کامپیوتر، آپک و غیره وجود نداشت؛ حتی ابزارهای آموزشی سنتی مانند تخته سیاه، کلاس درس و مدرسه نیز در اختیار نبود؛ روشهای آموزشی، شیوه‌های تدریس، برنامه درسی و علوم مرتبط با آموزش و پرورش، معلمان ورزیده و تربیت معلم هم در کار نبود؛ با وجود این، ایشان توانستند آموزه‌های اسلام را به مردم بیاموزند و از آنان افرادی مؤمن و ملتزم به عقاید، اخلاق و احکام دینی بسازند.

برای روشن شدن میزان تأثیرگذاری تربیتی پیامبر(ص) به دو نمونه اشاره می‌کنیم:

۱. یکی از شالوده‌های اساسی زندگی اعراب قبل از اسلام، جنگ و کشتار بود. جنگهای متعدد، طولانی و ویران کننده‌ای میان قبایل عرب اتفاق می‌افتاد که گاه چندین سال طول می‌کشید. این جنگها علل و عوامل متعددی داشتند؛ اما گاه اموری بسیار واهی

۱. «نقش دین در حل مشکلات فراروی بشر»، مردم‌سالاری، ۲۳ / ۳ / ۸۱

2. *World Religions and Educational Practices*; edit Witold Tulasiewicz and Cho_Yee To; P1.

و پیش‌پا افتاده شعله جنگی طولانی و خانمان سوز را برمی‌افروخت. اعراب بر خود فرض می‌دانستند انتقام خون کشته‌هایشان را از دشمن بگیرند و رضایت به دیه را تحقیر می‌دانستند؛ از این رو یک جنگ یا حتی یک قتل، سلسله‌ای بی‌شمار از جنگها و قتلها را به دنبال داشت.

البته قضیه به همین جا ختم نمی‌شد؛ جان افراد چنان بی‌ارزش بود که اگر کسی، فرد یا افراد دیگری را در بیابانی می‌یافت و در وضعیتی بود که می‌توانست او را بکشد، می‌توانست او را به بردگی بگیرد یا بکشد؛ این قانون که به «استأسار» معروف بود، مورد پذیرش همه آنان بود.

این‌گونه بود که زندگی اعراب قبل از اسلام، در کشتن و کشته شدن خلاصه می‌شد؛ یا دشمن بر آنها حمله می‌کرد و آنها را می‌کشت و بدین وسیله حس انتقام جویی خود را تسکین می‌داد، یا کشته می‌شد و حس انتقام جویی دیگران را تسکین می‌بخشید. آنچه در این میان ارزشی نداشت، جان افراد بود.

اما همین افراد - که قتل و جنگ و ناچیز شمردن جان افراد، جزئی از وجودشان شده بود - بر اثر تربیت نبوی حضرت محمد(ص) تحول اساسی پیدا کردند؛ تا جایی که نه تنها بی‌جهت و به اندک بهانه‌ای جان دیگران را تهدید نمی‌کردند، بلکه حفظ جان دیگران را بر حفظ جان خود مقدم می‌داشتند. در یکی از جنگها تعدادی از مسلمانان مجروح شده بودند و بر اثر جراحت و خون‌ریزی، به شدت تشنه بودند؛ اما چون آب به اندازه‌ای که همه آنان را سیراب کند در دسترس نبود، لذا فرد اول که آب در دسترس داشت، بدون آنکه خود از آن بنوشد، آب را به فرد مجروحی که در کنارش بود داد تا او بیاشامد؛ اما او هم آب را نیشامید و به دیگری داد... و این فرایند تکرار شد تا جایی که همه شهید شدند!

۲. تاریخ، فراوان صاحبان اندیشه و مکتب را به خود دیده است؛ از افلاطون و ارسطو در یونان باستان گرفته تا فارابی و ابن سینا در دوره اسلامی؛ اما میزان دلبستگی و پایبندی پیروان این مکتبها به آموزه‌های این مکاتب، چنان نیست که بخواهند از جان خود در راه پیشبرد آنها مایه بگذارند؛ بلکه معمولاً تا جایی که آنها پایبند هستند که برای آنان منافی داشته باشد، یا دست کم با منافع آنان تضادی نداشته باشد. در بیشتر موارد نیز این دلبستگیها تنها در حد ذهن باقی می‌ماند و هیچ‌گاه به عمل منجر نمی‌شود.

نقل است که ابوعلی سینا شاگردی داشت که بسیار به ایشان علاقه مند بود. روزی به استادش گفت: شما با اینکه علم و اطلاعات فراوانی داری چرا ادعای نبوت نمی‌کنی؟ ابن سینا جوابی نداد. اما در نیمه‌های شب - آن هم در زمستانی سرد - نزدیک طلوع سپیده صبح، شاگردش را صدا کرد و گفت: برایم از بیرون کمی آب بیاور. شاگرد، بهانه‌هایی آورد و دستور استاد را عمل نکرد. در همین حال، ناگهان صدای مؤذن برخاست. ابن سینا گفت: تفاوت من با پیامبر همین است؛ من که استاد توام در حالی که زنده‌ام، از تو می‌خواهم کاری انجام دهی، و تو دستور مرا اطاعت نمی‌کنی؛ اما این مؤذن در این شب سرد، بستر گرم و خواب ناز را رها کرده تا دستور پیامبری را که ندیده است اطاعت کند.

حقیقت این است که تأثیر تربیتی پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) بسیار قوی‌تر از آن است که در داستان بالا آمده است؛ آموزه‌های پیامبر(ص) چنان در جان مسلمانان نفوذ می‌کرد که آنان برای دفاع از آنها، از جان خود نیز می‌گذشتند. قبل از هجرت پیامبر(ص) به مکه، مشرکین سعی داشتند کاری کنند تا کسانی که ایمان آورده‌اند، از ایمان خود دست بردارند. در میان این مؤمنین کسانی بودند که قوم و قبیله و پایگاه اجتماعی قدرتمندی نداشتند. این افراد در معرض شدیدترین فشارها قرار می‌گرفتند تا از ایمان خود دست بردارند. اما هیچ‌یک از آنان، حتی در زیر سخت‌ترین شکنجه‌ها نیز از ایمان خود دست برنداشتند. بلال حبشی یکی از این افراد بود. وی «بردهٔ اُمیه بن خلف - از دشمنان سرسخت پیامبر(ص) - بود. چون عشیرهٔ پیامبر(ص) دفاع از او را به عهده گرفته بود، او برای انتقام، غلام تازه مسلمان خود - بلال - را در ملاء عام شکنجه می‌کرد؛ او را در گرم‌ترین روزها با بدن برهنه بر روی ریگهای داغ می‌خوابانید و سنگ بسیار بزرگ و تفتیده‌ای بر سینهٔ او می‌گذاشت و به او می‌گفت: دست از تو بر نمی‌دارم تا بمیری، یا از ایمان به محمد دست برداری و لات و عُزی را پرستش کنی. اما جواب بلال یک کلمه بود: «أحد، أحد»؛ یعنی خدای یگانه را می‌پرستم و از محمد دست بر نمی‌دارم. استقامت این غلام سیاه چنان بود که ورقه بن نوفل، دانشمند مسیحی عرب، بر وضع رقت‌بار او گریست»^۱.

برخی از یاران پیامبر(ص) از جان خود می‌گذشتند، اما از عقیدهٔ خود دست بر نمی‌داشتند. یاسر و سمیه نمونه‌ای از کسانی بودند که شکنجهٔ قریش را تا آخرین

۱. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۲۳۱، با اندکی تغییر.

لحظات زندگی تحمل کردند، اما از ایمان خود دست برنداشتند. «ابوجهل تصمیم گرفت خاندان یاسر را که از بی‌پناه‌ترین افراد بودند مؤاخذه نماید. دستور داد آتش و تازیانه آماده نمودند و یاسر و سمیه و عمار را کشان کشان به آنجا بردند و با نیش خنجر و لهیب آتش و تازیانه آنها را زجر دادند. این حادثه آن قدر تکرار شد که سمیه و یاسر در زیر شکنجه جان دادند؛ اما تا آخرین لحظات از تعریف و درود بر پیامبر باز نایستادند»^۱.

اهل بیت پیامبر(ص) نیز مربیان و معلمان بزرگ و موفقی بودند و در آموزش و تربیت دینی مسلمانان موفقیت‌های بزرگی به دست آوردند. پرورش تعداد زیادی از محدثان، فقیهان، مفسران، متکلمان و... در مکتب اهل بیت(ع) گواه روشنی بر این ادعا است. علامه سید محسن امین می‌نویسد:

نام روایان موثق آن امام [امام صادق(ع)] را گردآورده‌اند که شمار آنان به چهارهزار تن می‌رسد. تنها یکی از روایان آن حضرت به نام ابان بن تغلب، سی هزار حدیث از آن امام نقل کرده است. حسن بن علی و شاکوید: «در مسجد [مسجد کوفه] نهصد تن از مشایخ حدیث را درک کردم که همگی می‌گفتند: جعفر بن محمد چنین حدیث کرد»^۲.

مهارت آنان در هدایت و تربیت افراد نیز ستودنی است؛ گاه با گفتن یک جمله، مسیر زندگی یک فرد را دگرگون می‌کردند. به عنوان نمونه، یکی از برخوردارهای تربیتی اهل بیت(ع) را در اینجا بیان می‌کنیم:

روزی امام کاظم(ع) از کنار منزلی می‌گذشتند که صدای ساز و آواز از آن بلند بود؛ معلوم بود که در آن خانه بساط عیش و عشرت گسترده‌اند. در همین وقت کنیزک خدمتکار نیز در حال خالی کردن خاکروب‌های منزل بود. امام(ع) از کنیزک پرسید: صاحب این خانه بنده است یا آزاد؟ گفت: آزاد. امام فرمود: معلوم است که آزاد است! اگر بنده بود، پروای پروردگار خود می‌داشت و این بساط را پهن نمی‌کرد.

هنگامی که کنیزک برگشت، ارباب او که مشغول می‌گساری بود، گفت: چرا دیر کردی؟ گفت: مردی از اینجا می‌گذشت و چنین حرفی زد. صاحب خانه که نامش بشر بود، برخاست و پابرهنه دوید تا به امام کاظم(ع) رسید و در حضور او توبه کرد و عذر خواست و گریست.

خطیب می‌گوید: او در ورع و زهد سرآمد معاصران خود شد.^۳

۱. همان، ص ۲۳۳. ۲. امین، سید محسن، سیره معصومان، ص ۶۶.

۳. قمی، شیخ عباس، الکنی و الالقاب، ج ۲، ص ۱۶۷ - ۱۶۸.

موفقیت پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) ایشان در تربیت دینی، ما را بر آن داشت تا سیره آنان را در تربیت دینی به عنوان یک منبع غنی تربیتی مطالعه کنیم و نکات تربیتی به کار گرفته شده در آن را استخراج نماییم، تا چراغی باشد برای روشن کردن راه دشوار تربیت دینی در دوره معاصر؛ امیدواریم در این راه، توفیق الهی و امداد معنوی معصومان(ع) شامل حال ما گردد. ان شاء الله.

قبل از ورود به بحث لازم است تعریفی از «سیره معصومان(ع)» و «تربیت دینی» به دست دهیم و با مشخص کردن قلمرو موضوع، دورنمایی از مباحث ارائه دهیم.

۱. سیره تربیتی پیامبر(ص) و اهل بیت(ع)

برای دست یافتن به تعریفی از سیره تربیتی پیامبر(ص) و اهل بیت(ع)، لازم است مفهوم واژه‌های «سیره» و «تربیت» را بررسی کنیم.

۱-۱. سیره

«سیره» برون فعله از «سیر» مشتق شده است. در کتب لغت برای سیره چندین معنا ذکر شده است.

اولین معنایی که برای آن گفته‌اند عبارت از «رفتار» است. در قاموس المحيط آمده است:

السیر: الذهاب... و الاسم السیره.^۱

بنابراین «سیره» اسم مصدر «سیر» و معنای سیره همان رفتار است. در زبان عرب وقتی گفته می‌شود: «حَسَنَ السیره» همین معنا مراد است؛ یعنی خوش رفتار.^۲ دومین معنایی که در لغت ذکر شده سنّت است. سنّت یعنی راه و روش. ابن منظور می‌نویسد:

والأصل فيه [السنة] الطريقة والسیره.^۳

معنای سوم آن طریقه (راه و روش) است. وقتی گفته می‌شود: «سار بهم سیره حسنة» همین معنا مراد است؛ یعنی با آنان به روش خوب رفتار کرد.^۴ معنای چهارم، هیئت و حالت است. در آیه سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَى سیره در همین معنا به کار رفته است؛ یعنی آن را به حالت اولش باز می‌گردانیم.^۵

۱. فیروز آبادی، مجدالدین محمد، القاموس المحيط، ذیل ماده سیر.

۲. ابن منظور، لسان العرب، ذیل ماده سیر.

۳. همان، ذیل سنن.

۴. همان.

۵. همان.

پنجمین معنا، چگونگی رفتار است.^۱

از آنجا که معنای دوم و سوم با یکدیگر تفاوتی ندارند، می‌توانیم بگوییم که سیره در لغت در چهار معنا به کار می‌رود: رفتار؛ راه و روش (سنت)؛ حالت و چگونگی شیء یا فرد؛ حالت و چگونگی رفتار.

در عرف مسلمانان و متون اسلامی سیره در معنای دیگری نیز به کار رفته که دقیقاً معادل معنای «سنت» و عبارت است از مجموعه رفتار و گفتار پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) او. برای مثال، وقتی گفته می‌شود که یکی از منابع تشریح اسلامی «سنت» است، مراد رفتار و گفتار پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) او است. بنابراین سیره در پنج معنا به کار رفته که عبارتند از: رفتار؛ راه و روش؛ حالت و چگونگی شیء یا فرد؛ حالت و چگونگی رفتار؛ گفتار و رفتار پیامبر(ص) و اهل بیت(ع).

به نظر می‌رسد نوعی رابطه میان این معانی وجود دارد؛ معنای دوم یعنی «راه و روش» یا «سنت» از معانی دیگر عام‌تر است و نقش محوری دارد. اما مراد از سنت یا سیره در این معنا چیست؟

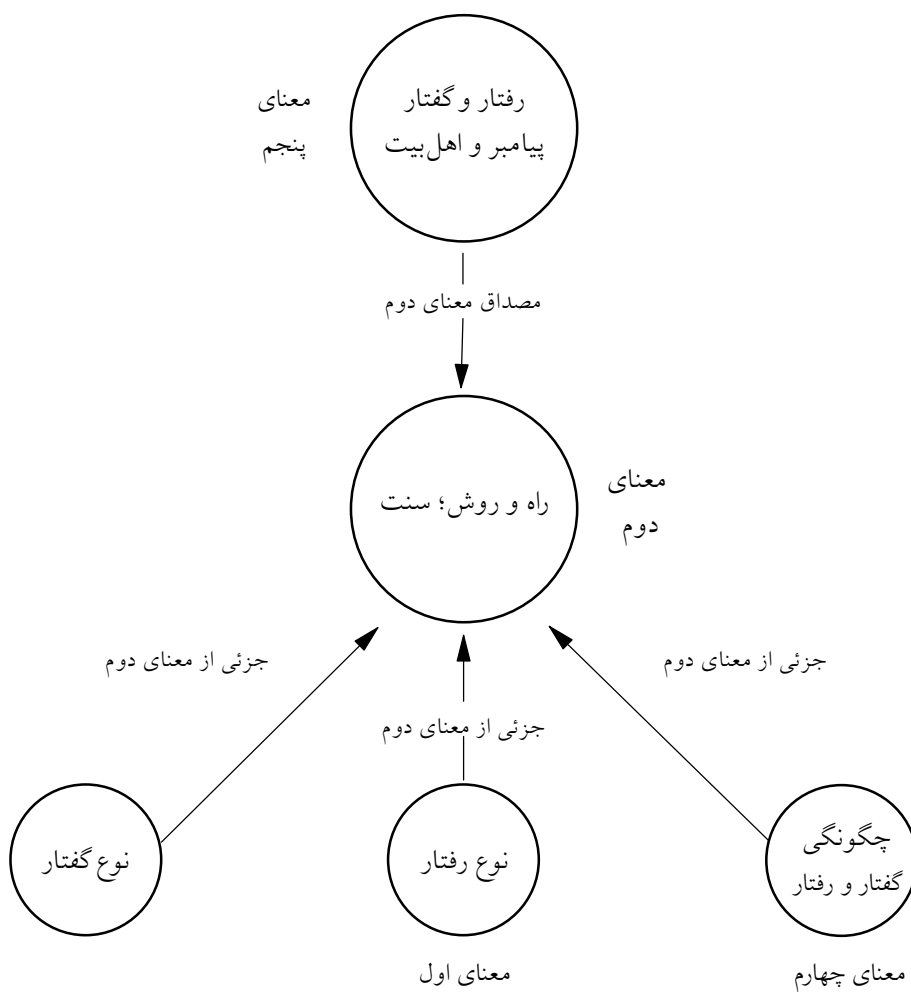
سیره در این معنا عبارت است از مجموع رفتارهایی که یک فرد در طول زندگی خود، در موقعیتهای مختلف داشته است. از آنجا که رفتارهایی که افراد در طول زندگی، در موقعیتهای مختلف انجام می‌دهند با یکدیگر متفاوت است، سیره‌های افراد نیز با یکدیگر تفاوت پیدا می‌کند.

سیره به معنای راه و روش یا سنت سه جزء اساسی دارد که عبارتند از گفتار، کردار، و چگونگی آن دو؛ زیرا رفتار یا به عبارت بهتر اقدام فرد، یا به صورت کردار است یا به صورت گفتار. هر رفتار و گفتار نیز ویژگیهای خاصی دارد؛ ممکن است دو فرد، یک رفتار یا گفتار داشته باشند اما به دو صورت متفاوت؛ مثلاً هر دو به فرزندشان بگویند: «بنشین»، اما یکی محترمانه و دیگری تحقیرآمیز؛ یا هر دو وارد منزل شوند، اما یکی با وقار و متانت و دیگری با عجله و شتاب.

معنای اول «سیره» یعنی رفتار، به بخشی از سیره به معنای «راه و روش» دلالت دارد و معنای چهارم یعنی «کیفیت رفتار»، به بخش دیگری از آن. از این رو رفتار، حالت و چگونگی رفتار، یعنی معنای اول و معنای چهارم، بخشی از سیره به معنای دوم (راه و روش؛ سنت) هستند.

۱. لویس، معارف، المنجد فی اللغة، ذیل سار یسیر.

سیره به معنای «راه و روش» یا «سنت» عام است؛ بنابراین سیره بدین معنا را می‌توان به هر فردی نسبت داد. مثلاً می‌توان از سیره امام خمینی(ره) یا سیره شیخ صدوق(ره) و دیگران سخن گفت. اما سیره در معنای پنجم فقط به پیامبر(ص) و اهل بیت(ع)^۱ اختصاص دارد و به شخص دیگری قابل اطلاق نیست. مانند «مدینه» که در زبان عرب به معنای شهر به کار می‌رود؛ اما به دلیل کثرت استعمال، هرگاه بدون هیچ اضافه‌ای به کار رود به معنای مدینه‌النبی است. بنابراین سیره در معنای پنجم، مصداقی از مصداقی سیره به معنای «راه و روش» یا «سنت» است.



۱. در اینجا تذکر این نکته لازم است که از دیدگاه اهل تسنن، سیره در معنای پنجم تنها به رفتار و گفتار پیامبر(ص) اطلاق می‌شود.

اما معنای سوم، یعنی چگونگی و حالت شیء، با دیگر معانی سیره ارتباطی ندارد. سیره در این نوشته در معنای اول به کار می‌رود. بنابراین مراد از سیره در این کتاب، رفتار پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) است. ما در صدد هستیم رفتارهای صادر شده از پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) او را مطالعه کنیم، تا از این طریق «راه و روش» آنان را کشف کنیم.

در اینجا توجه به این نکته لازم است که سیره به معنایی که مورد نظر ما است برخی از گفتارهای پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) را هم از آن جهت که کیفیت خاصی دارند شامل می‌شود. از این رو سیره به دو قسم تقسیم می‌شود: سیره فعلی و سیره قولی. بنابراین، چگونگی گفتارهای صادر شده از معصومان(ع) در مقام تربیت نیز در اینجا بررسی خواهد شد.

در مطالعه سیره (رفتار) دو موضوع اهمیت فراوانی دارد:

نخست، تعیین نوع سیره و اینکه پیامبر(ص) و اهل بیت(ع)، در یک موقعیت خاص، برای رسیدن به یک هدف خاص چه کاری انجام می‌دادند؛ دوم اینکه آن کار را چگونه انجام می‌دادند.

با توجه به نوع و چگونگی یک سیره، می‌توان نکات، ظرافتها و حتی اصول و قواعد حاکم بر آن سیره را کشف کرد و از آنها در موقعیتهای دیگر نیز استفاده کرد. تمام تأکید ما بر سیره از همین جا ناشی می‌شود؛ بسیاری از نکات و مطالب تربیتی وجود دارد که گرچه در سخنان پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) بیان نشده، اما در سیره‌های تربیتی آنان پنهان است. و این به عهده سیره‌پژوهان است که آنها را از دل این سیره‌ها استخراج کنند. به علاوه، این رویکرد به محقق این امکان را می‌دهد که بتواند نظم موجود در سیره‌ها و روابط میان آنها را کشف کند و به آنها معنا بخشد.

۲-۱. تربیت

«تربیت» از ماده «ربو» به معنای افزودن و رشد و نمو کردن است؛ اما در تعلیم و تربیت، هر متفکری از زاویه‌ای به آن نگریسته و تعریفی خاص به دست داده است. ما در اینجا این تعریف از تربیت را به عنوان مبنای مباحث این کتاب انتخاب می‌کنیم:

تعلیم و تربیت عبارت است از مجموعه اعمال یا تأثیرات عمدی و هدفدار یک انسان (مربی) به منظور اثرگذاری بر شناختها، اعتقادات، احساسات، عواطف و رفتارهای انسان یا انسانهای دیگر (مترربی یا متربیان) براساس برنامه‌ای سنجیده.